

## تحلیلی از زندگی تاشی خاتون از واقفان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup>

<sup>۱</sup> نجمه حیدری

<sup>۲</sup> سیده لیلا فنایی

### چکیده

این مقاله در قالب توصیفی تحلیلی است که مطالب آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این پژوهش سعی شده ضمن نگاهی کلی به سلسله‌ی آل اینجو و اقدامات فرهنگی و سیاسی این سلسله و نقش خاتون‌ها در ادوار مختلف و این دوره به معرفی یکی از بانوان بزرگوار به نام تاشی خاتون پرداخته شود. این شخصیت نقش مهمی در عصر خود در گسترش فرهنگ تشیع در شیراز و بازسازی آستان مقدس شاه‌چراغ و جذب زائرین و مجاورین به این آستان داشته و اقدامات مهمی در این راستا انجام داده است. از مهم‌ترین اقدامات ایشان نگارش قرآن سی جزئی است که به این بانوی بزرگوار منتسب شده است و در نوع خود و از نظر هنرمندان اثری منحصر به فرد است. اهمیت این پژوهش به این سبب است که تاکنون بررسی مستقلی در رابطه با این بانوی بزرگوار انجام نشده است و تنها در کتب و مقالات تاریخی و دینی و مذهبی به ایشان به صورت گذرا اشاره شده است. بنابراین سعی شده است هرآن چه در رابطه با این بانوی بزرگوار از گذشته تاکنون وجود دارد، ارائه گردد.

**کلمات کلیدی:** آل اینجو، تاشی خاتون، معرفی، اقدامات، قرآن تاشی خاتون،

## مقدمه

در رابطه با واقفان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در کتب تاریخی و بعضی از سفرنامه‌ها و دایرة المعارف‌ها مطالبی بیان شده است که در این پژوهش سعی شده در رابطه با تاشی خاتون به عنوان یکی از شخصیت‌هایی که در مقطعی از زمان نقش اساسی در بازسازی حرم مطهر ایفا نمود و باعث شد که شخصیت‌هایی زیادی مجذوب این مکان مقدس و معنوی شوند مورد بررسی قرار گیرد. وجود ملکه‌ی نیکوکار و با ایمانی چون تاشی خاتون مادر شاه ابواسحاق و ارادت او به آل علی و حضرت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و بناهایی که بر این بقعه اضافه و وقف نمود، پیشرفت تشیع را در این قرن در شهر شیراز تأیید می‌نماید. بنابر اهمیت و جایگاهی که این بانوی بزرگوار در زمان خود در شیراز داشته، مقاله‌ی حاضر به بررسی سلسله آل اینجو و جایگاه زنان در آن زمان، زندگی و اقدامات و قرآن منتسب به تاشی خاتون پرداخته و سعی شده هر آنچه در رابطه با این بانو در کتب تاریخی و دینی و هنری و ادبی نقل شده، بیان شود.

### ۱- روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و براساس منابع مکتوب کتابخانه‌ای و مقالات موجود تهیه شده و تلاش لازم انجام شده تا تصویر جامع و کاملی از این بانو ارائه شود و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: ۱- اوضاع سیاسی و فرهنگی آل اینجو چگونه بود و بانوان به ویژه تاشی خاتون چه نقشی در این اوضاع داشتند؟ ۲- معنای تاشی خاتون چیست و این واژه در طول زمان‌های مختلف مورد چه تحولاتی قرار گرفته است؟ ۳- چه اطلاعاتی از زندگی این بانو در کتب تاریخی موجود است؟ ۴- این بانوی بزرگوار در طول دوران زندگی چه اقدامات مهمی انجام داده است؟ ۵- قرآن منسوب به تاشی خاتون دارای چه ویژگی‌هایی است و چرا از بین اقدامات این بانو این قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؟

### ۲- پیشینه‌ی تحقیق

در رابطه با موضوع پژوهش و به شکل جامع و کامل تاکنون هیچ پایان نامه یا مقاله یا کتابی نوشته نشده اما مقالاتی در رابطه با بعضی عناوین این پژوهش نوشته شده که به چند نمونه از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. وحیده میرزا خانلو با بررسی ویژگی‌های ساختار تذهیب قرآن تاشی خاتون، به ساختار هنری و خوش نویسی این قرآن از جهت هنری پرداخته است و به اقدامات این بانو و سایر بخش‌های زندگی در مقاله مطلبی نیاورده است. کیانوش معتقدی در مقاله‌ی شکوه خوش نویسی و تذهیب در مکتب شیراز، به بررسی ویژگی‌های هنری، خوش نویسی و تذهیب در دوره‌ی تیموری و ایلخانی

پرداخته که به ویژگی‌های قرآن تاشی خاتون در حد مختصر و معرفی این قرآن از لحاظ هنری و تذهیب نیز اشاره شده است. هم چنین در مقاله‌ی کتاب و کتاب آرایی در مکتب شیراز، نوشته‌ی مهدی صحراگرد، به بررسی نشان آیات در قرآن‌های شیراز می‌پردازد و به قرآن تاشی خاتون هم به صورت مختصر اشاره می‌کند.

در بسیاری از مقالات و کتب به صورت گذرا و به تاریخ تعمیر گنبد احمدبن موسی توسط تاشی خاتون اشاره شده است. در مقاله‌ی کلمات ترکی - مغولی در کلیات شمس نوشته‌ی محمود عابدی و جمعی از نویسندگان، تنها به معنای کلمه‌ی تاش و خاتون از لحاظ ادبی و در اشعار شعرا پرداخته است. در مقاله‌ی نقش اداری و حکومتی خاتون‌های مغول نوشته‌ی احمد فروغ بخش، تنها به صورت کلی به نقش خاتون‌های مغول اشاره کرده است. سید مهدی جوادی در مقاله‌ی خواتین و نقش سیاسی اجتماعی آنان در تاریخ اسلام، به طور کامل به بررسی معنای خاتون و نقش تمامی خاتون‌ها در مسایل سیاسی و فرهنگی در تمام ادوار اسلامی پرداخته که به ساخت مسجد و مدرسه تاشی خاتون اشاره شده است. در مقاله‌ی امامزاده‌ای به نام احمدبن موسی معروف به شاه‌چراغ نوشته‌ی حسین قره خانلو به تاشی خاتون و برخی اقدامات او مثل نگارش قرآن سی جزیی و وقف شهرمیمند اشاره کرده است که البته به همه‌ی اقدامات ایشان اشاره نشده است. حسین پرویش در مقاله بررسی اوضاع سیاسی - فرهنگی آل اینجو در فارس، تمامی شاخصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی این حکومت را مورد بررسی قرار داده و به تاشی خاتون و اقدامش در ساخت گنبد اشاره کرده است. در این مقاله سعی گردیده تمامی مطالب مربوط به زندگی، اقدامات و قرآن تاشی خاتون به صورت کامل اشاره شود.

### ۳- اوضاع سیاسی و فرهنگی آل اینجو و نقش خاتون‌ها در این زمان

در طول تاریخ ایران خاندان‌هایی هر چند کوچک و بزرگ از امرا و فرمانروایان محلی وجود داشته‌اند که بی‌گمان در تاریخ و تمدن و هنر و فرهنگ کشور ما منشاء اثر بوده‌اند، ولی آن گونه که باید شناخته نشده‌اند. از جمله این خاندان‌ها سلسله آل اینجو می‌باشد. آل اینجو خانواده‌ای سلطنتی در دوره مغول‌ها، به ویژه خاندانی که در سده ۸ قمری در فارس حکومت می‌کردند، را شامل می‌شود و مقر فرماندهی خود را در شیراز قرار دادند. «مشهورترین فرمانروای خاندان اینجو امیر شیخ ابواسحاق فرزند تاشی خاتون بود که در اواخر دوره‌ی ایلخانان بر فارس و اصفهان حکومت می‌کرد. او در مدت پانزده سال فرمانروایی در فارس، خود را نمونه یک پادشاه هنر پرور، صاحب ذوق و عشرت‌دوست نشان داد. او خود نیز شعر می‌سرود و ذوق ادبی داشت و شعرا و دانشمندان را مورد تجلیل قرار می‌داد. گروهی از اینان در دربار او گرد آمده بودند که مشهورتر از همه حافظ شیرازی است. همین استقبال او از دانشمندان و شعراء باعث شده بود که فرهنگ و ادب این دوره از رونق شایانی برخوردار شود. ورود و خروج سپاهیان بر چهره

نظامی شهر می‌افزود. موجی از فتنه در همه جا احساس می‌شد. با وجود این، شیراز همچنان امن‌ترین محل برای دانشمندان و هنرمندان بود. خواجهی کرمانی و عبید زاکانی از جمله همین افراد بوده‌اند که شیراز تحت فرمانروایی اینجو را برای زندگی و خلق اثر مناسب یافتند» (پرویش، ۱۳۹۰، ص آخر).

دوره حکومت شاه ابواسحاق اینجو توأم با عدالت و انصاف بود و این امیر دانشمند و ادب دوست در دوره حکمرانی خود در عمرانی و آبادانی فارس و آسایش و امنیت مردم این ایالت به ویژه شیراز، کوشید. با این حال، دوره فرمانروایی این سلسله منشاء تحولات فرهنگی و ادبی مهمی بوده است. در این میان امیر شیخ ابواسحاق اینجو، پسر تاشی خاتون نقش بسیار موثرتری داشت و فضای فرهنگی و هنری شیراز به واسطه‌ی این اقدامات متحول شد و این خاندان در این راه از انواع حمایت‌ها استفاده می‌کردند و از این راه اعتبار فرهنگی فراوان کسب می‌کردند که بر اقتدار سیاسی آن‌ها می‌افزود. صوفی جمالی نویسنده‌ی قرآن تاشی خاتون از جمله‌ی هنرمندان مورد توجه بود.

اهمیت زن در جامعه‌ی ایلی مغول با گسترش یافتن محدوده‌ی ایلی به امپراطوری، ابعاد بیش‌تری پیدا کرد و نظرات خاتون‌های مغول در اداره‌ی امپراطوری مورد توجه قرار گرفت. حضور بانوان اشراف در اداره‌ی حکومت با ناتوانی حاکمان مغولی رابطه‌ی مستقیم داشت. در ساختار حکومت ایلخانی ایران نیز حضور زنان استمرار یافت و خواتین مغول در نقش همسر یا مادر ایلخان به نحوی در تصمیم‌گیری‌های حکومت نقش فعالی ایفا کردند و در کنار خواتین، زنان اشراف ایران نیز به دلیل نگرش مغولان به عنصر زن فرصت فعالیت سیاسی یافتند. در عین حال توجه این بانوان به امور فرهنگی و دینی و حمایت آنان از علما و دانشمندان، موجب رونق فرهنگ در عصری شد که آثار ناشی از حملات ویران‌گرانه‌ی مغول‌ها در سراسر ایران به خوبی هویدا بود. از سوی دیگر جایگاه خاص خواتین در نزد خلفا، وزیران، امیران، سایر کارگزاران حکومتی و دسترسی آنان به اخبار و اسناد و امکانات دولتی موجب گردید که خواتین بتوانند در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، اجتماعی در تاریخ اسلام نقش مهم و موثری ایفا کنند به طوری که برخی از آنان در دوره‌هایی توانستند با دست یافتن بر قدرت سیاسی، خود امور حکومتی را بر عهده گیرند. گذشته از این که بعضی از خواتین خود از فقیهان، محدثان، عارفان، دانشمندان، هنرمندان و شاعران پرآوازه‌ی عصر خویش بوده‌اند، برخی دیگر از آنان با تاسیس مسجد، مدرسه، خانقاه و سایر مراکز آموزشی و پرورشی، زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگی، دینی و اجتماعی جوامع اسلامی را فراهم کردند. (رک: جوادی، ۱۳۸۴، از ۱۵۱-۱۸۲)

از جمله‌ی زنان صاحب نفوذ این سلسله، که حامی هنر و فرهنگ بود و در این راه تلاش فراوان کرد و به گرد آوری علما و ساخت آثار تاریخی پرداخت که در تاریخ نامه‌ها از وابستگی اش به آستان احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> و خدمات او به این آرامگاه سخن گفته شده است. «تاش خاتون یا تاشی خاتون همسر محمود

شاه اینجو و مادر شاه ابو اسحاق اینجو زنی قدرتمند و فهمیده بود که در امور سیاسی هم دخالت داشت.» (جنید شیرازی، ۱۳۲۸، ص ۲۹۰-۲۹۲ و جنیدشیرازی، ۱۳۴۶، ص ۳۲۵-۳۲۷ و شیرازی، آثار العجم، ۱۳۱۴، ص ۴۴۵-۴۴۸ و محلاتی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۹۶ و فسائی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۱۸۶-۱۵۶۵ و مصاحب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۰۰ و صدر، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۴۹ و کتابخانه‌ی شاه‌چراغ، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲). با توجه به اهمیت تاشی خاتون و جایگاه خاتون‌ها در ادوار مختلف اسلامی در این مقاله ابتدا به سیر تحول معنایی واژه تاش یا تاشی و سپس واژه خاتون در متون ادبی و دینی و تاریخی و عربی و ترکی پرداخته و سپس به قسمت‌هایی از زندگی این بانوی بزرگوار اشاره می‌شود.

#### ۴- معنای واژه تاشی خاتون

در رابطه با معنای کلمه‌ی تاشی خاتون در کتب و مقالات مختلف نظریات مختلفی ارائه گردیده است که ابتدا عنوان تاش و سپس خاتون بررسی می‌گردد. در کتب ادبی نقل کرده‌اند که «کلمه‌ی تاش به تنهایی در زبان ترکی به معنی سنگ و نیز پسوند اشتراک، معادل هم در فارسی می‌باشد و در متون فارسی به هردو معنی به کار رفته است که در معنای نخست شخصیت‌هایی با پسوند تاش میتوان مثال زد: تاش فراش، تاش ماهروی و در سخن گویندگان پیش از مولانا نیز به همین معنی، در ترکیب آلتون تاش به معنی سنگ طلایی به عنوان نام اشخاص در میان ترکان خراسان بزرگ متداول بوده است و بعضی از غلامان و امیران عصرغزنوی به آلتون تاش موسوم بوده‌اند.» (رک: بیهقی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۳۵ و ۶۳۸). «مولانا آلتون تاش را در معنی غلام و برده به کار برده است اگرچه که تاش در معنی دوم (پسوند اشتراک) کاربرد بیش‌تری یافته است، از جمله در کلماتی مانند خواجه تاش و لقب تاش در شعر مولانا» (رک: مولوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۶۷ و ج ۶ ص ۲۰۵ و ج ۵، ص ۲۳۵). هم چنین در اشعار دیگر شاعران که در این رابطه می‌توان به دیوان انوری، تاریخ بیهقی، دیوان ظهیر فاریابی و کتاب راحة الصدور و اية السرور راوندی مراجعه نمود.

«در رابطه با معنای خاتون که در اصل از لغت ترکی قاتون گرفته شده نقل شده که این کلمه عنوانی احترام آمیز برای زنان بوده که با خانم و بانو سنجیده می‌شود و این کلمه در شعر گویندگان عصرغزنوی متداول بوده است» (مولوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۷۳). در این رابطه می‌توان به دیوان رودکی و شاهنامه فردوسی و تاریخ بیهقی مراجعه کرد. تاشی خاتون در لغتنامه دهخدا در اصل تاش خاتون و به معنای مادر شاه شیخ ابو اسحاق اینجو معنا شده است. (سایت لغت نامه دهخدا). «واژه خاتون/ قاتون/قادین، به معنای خانم، بانوی اصیل و شوهردار (به طور عام) و زنان والا مقام و دختران خاقان، خان و بزرگان (به طور خاص)، یکی از عنوان‌های مهم در تاریخ اسلام و در اوایل دوره عباسی و در واقع، عنوانی ویژه در برابر خان بوده که برای بزرگداشت زنان و تجلیل از مقام آنان، استفاده شده است.» (استرآبادی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲). عنوان خاتون خاستگاه سغدی داشته که امروزه در متون عربی، فارسی و ترکی به شکل خاتون به کار

می‌رود و پیش از ظهور اسلام در چین و ماورالنهر به همسران تئوچوئه، حکمرانان چین و حاکمان بخارا اطلاق شده است. «بعدها، این عنوان را سلجوقیان، خوارزمشاهیان و جانشینان چنگیز و در دوران فترت و دوران ایلخانی تا تاسیس دولت تیموری و دوران حکمرانی ممالیک در قلمرو اسلامی بسیار به کار برده‌اند.» (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۸۵). محمود کاشغری، لغت دان مشهور ترک در قرن پنجم هجری، قاتون را نام دختران افراسیاب دانسته است (کاشغری، ۱۳۳۳، ج ۱، ص ۳۴۳). مولف غیاث اللغات نیز خاتون را در ترکی از لقب‌های زنان بزرگ برشمرده است. (رامپوری، ج ۱، ص ۳۶۹). بنابراین می‌توان گفت که کلمه‌ی قاتون بعدها در متن عربی، فارسی و ترکی، شکل خاتون به خود گرفته است. «در واقع واژه خاتون در برابر عنوان خان به نشانه تجلیل و بزرگداشت زنان به کار رفته و در فارسی بنا بر قاعده‌ی جمع مکسر در عربی، به خواتین جمع بسته شده است.» (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۷۴). خاتون و واژه‌های مترادف با آن، هم چون بی بی و سیده، در میان شیعیان، به ویژه پیروان شیعه‌ی اثنا عشری در ایران جایگاه خاصی داشته و امام زاده‌ها و بقعه‌های گوناگون با همین عنوان‌ها اکنون در ایران و برخی از کشورهای همسایه زیارتگاه شیعیان است. بنابراین گذشته از اطلاق عنوان‌های چون خاتون معلق، خاتون قیامت، خاتون عرب، به حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> و حضرت نرجس<sup>(س)</sup>، مادر بزرگوار امام زمان<sup>(عج)</sup> (رک: حائری، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱۲) و برخی از امام زاده‌های منسوب به مادر امام سجاد<sup>(ع)</sup> و دختران امام صادق<sup>(ع)</sup> و امام کاظم<sup>(ع)</sup>، امروزه امام زاده‌های بسیاری در گوشه و کنار کشورهای اسلامی به دختران برخی ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> منتسب می‌باشند که به خاتون یا مترادف‌های آن معروف شده‌اند که از میان آن‌ها، می‌توان به بقعه‌ی آمنه خاتون در قزوین، خدیجه خاتون در مسیر قم - اصفهان، منسوب به دختران امام صادق<sup>(ع)</sup> و امام زاده‌های حلیمه خاتون و سکینه خاتون در قم، منسوب به دختران امام کاظم<sup>(ع)</sup> اشاره کرد. (رک: اجتهادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰۶ و ۱۱۶ و ۱۲۳ و ۱۹۴). همچنین از امام زاده‌های منسوب به دختران امام کاظم<sup>(ع)</sup> که به بی بی مشهورند، می‌توان از بی بی حکیمه خاتون در شهرکرد، بی بی خاتون در ورده، بی بی هیبت در باکو یاد کرد. چنان که بقعه‌های سنی فاطمه در اصفهان، سیده ملک خاتون در تهران که نخستین حاکم زن ایرانی شیعه در قرن چهارم هجری می‌باشد و سیده بانو در تالش، اغلب به دختران امام هفتم<sup>(ع)</sup> منتسب شده‌اند. (رک: اجتهادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳-۱۹۹). این عنوان (با مفهوم خاص خود) در دوره‌های اسلامی هم در نقاط مختلف قلمرو اسلامی به کار رفته و برخی واژه‌های مترادف با آن، هم چون بی بی و سیده درباره‌ی حضرت فاطمه<sup>(ع)</sup> و بعضی از فرزندان ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> جایگاه ویژه‌ای در میان شیعیان اثنا عشری در ایران، داشته است.

خاتون و واژه‌های مترادف با آن، هم چون بی بی و سیده، خانم، بانو، بیگم، مادر بزرگ، خانم خانه، حرّه، ترکان به ویژه دو عنوان اول بسیار مشهور است که کلمه‌ی بی بی به معنای زن نیکو، خاتون خانه، بیگم، مادر بزرگ و بانواست که در فارسی با اقتباس از ترکی، به مفهوم خانم خانه، به کار می‌رفته است و در

قرن هفتم هجری به زنان مشخص و محترم خراسان اطلاق می‌شده است. (رک: تبریزی، بی تا، ص ۲۱۹). گاهی عنوان‌های حره و خانم نیز به معنای خاتون به کار رفته‌اند چنان که عنوان خانم در دربار تیمور تنها به همسر اول شاه اختصاص داشته است. (رک: اجتهادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۵). از زنان معروفی که عنوان حره داشتند، می‌توان حره، دختر عبدالکریم بن هوازن قشیری، محدث قرن پنجم هجری و اهل نیشابور، که سمعانی از او حدیث شنیده است، را نام برد. (رک: اجتهادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱۴). واژه‌های ترکان - ترخان - ترکن به معنای شریف و خواجه به این معنا می‌باشد. (خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴). واژه‌های ترکان بیش از مردان، درباره‌ی زنان نام داری همچون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، زوجه‌ی ملک شاه سلجوقی، همسر سلطان سنجر و... به کار رفته و همه‌ی آنها به ترکان خاتون مشهور شده‌اند. (رک: اجتهادی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۵). در برخی از دوره‌ها، واژه‌های خاتون و ترکان ترکیب یافته و حاصل آن، ترکان خاتون، عنوان بعضی از خاتون‌ها شده است. آن چه در زمینه‌ی معنای تاش و خاتون بیان شد، بیانگر اهمیت این واژه‌ها در متون مختلف می‌باشد و این معنای این مفهوم را می‌رساند که تاشی خاتون علاوه بر اینکه شخصیت مهم و بانفوذی است، به لحاظ معنایی نیز واژه‌ای است که به انسان‌های شریف و خانواده دار و با اصالت اطلاق می‌گردد آن چنان که گذر تاریخ این مطلب را اثبات می‌کند.

## ۵- معرفی تاشی خاتون

در کتب تاریخی در رابطه با زندگی تاشی خاتون اطلاعات چندانی به ثبت نرسیده و فقط این نکته بیان شده که ایشان همسر محمودشاه اینجو و مادر شاه شیخ ابواسحاق اینجو، پادشاه هنرمند و هنرپرور شیراز بوده که در زمان حکومتش او و مادرش اقدامات زیادی در طول زندگی خویش انجام داده‌اند. این شخصیت از زنان فعال دربار به شمار می‌آید. در رابطه با اواخر عمر این بانوی بزرگوار اخبار متعددی در کتب تاریخی ذکر شده است که صحت این اخبار مشخص نیست و در اکثریت کتاب‌ها از ایشان به عنوان بانویی بزرگوار و عابد و صالح یاد کرده‌اند که در رابطه با گسترش تشیع و حفظ احترام و بزرگداشت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> اقدامات موثری انجام داده است.

از جمله روایات در رابطه با اواخر عمر ایشان این است که نقل شده که «تاشی خاتون و پسرش هردو متهم به خیانت شدند. تاشی خاتون متهم شد که با امیر علی پیر غیاث الدین یزدی وزیر شیخ ابواسحاق روابط پنهانی داشته است. نقل شده که غیاث الدین همراه امیر شیخ بود. از دور آن مدرسه و دو مناره آستان را دیده بود، محمد مظفر حکم کرد تا مدرسه غیاثیه را خراب کنند. بزرگان و اهالی درخواست کردند و گفتند حیف است چنین عمارتی ویران شود و مدرسه را چه گناهی است که بانی آن خطائی کند؟ محمد بن مظفر از خراب کردن آن منصرف شد. امیر علی غیاث وزیر مستقل امیر شیخ بود و حاسدان نیرنگ کردند و تهمت زدند که مادر امیر، تاشی خاتون عاشق وزیر شده و قصد خیانت دارد. امیر علی

غیاث و تاشی خاتون در یک مجلس نشسته بودند. امیر شیخ را خبر کردند و امیر شیخ به آن سمت رفت. آنها خبردار شدند. راه فرار نبود و فصل گل بود و گل بسیار در آن خانه ریخته بود. وزیر در میان گل پنهان شد. امیر شیخ رسید و سید را ندید. دریافت که زیر گل‌ها پنهان شده و گفت که جای تو در زیر گل بهتر است تا در زیر گل! و امر کرد وزیر را کشتند. « (رک: کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ص ۱۲۸ و کتابخانه مرکز دیجیتال قائمیه، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۶۰ و بیانی، ۱۳۸۸، ص ۴۴). هم چنین در جایی دیگر ذکر شده « همان روز مادر امیر مسعود شاه (تاشی خاتون) جامه سیاه پوشید و به بازار رفت و فریاد می‌زد که شما فرزندان و برادران بیشتری دارید، رواست که پسر مرا بی گناه بکشند؟ مردم شیراز جمع شدند، یاغی باستی شکست خورده از شیراز بیرون رفت و امیر علی ماست فروش و چند نوکر دیگر یاغی باستی را گرفته و کشتند. « (رک: شبانکاره ای، ج ۲، ص ۳۱۳). هم چنین نقل شده که «زمانی که امیر پیر حسین بن شیخ محمود بن چوبان به حکومت رسید، بعد از آن که مدت یک سال حکومت کرد، جنگ اشرف و جانی بیک پیش آمد و او به جهت مدد و همکاری با عموی خود به سمت تبریز رفت و می‌خواست که تاشی خاتون، مادر امیر شیخ را به عنوان گروگان با خود ببرد. خاتون بر مرکبی پر بار سوار شده، از محله موردستان می‌گذشت. یکی از ارادل زمانی که او را به آن حالت دید، خاتون شروع به گریستن کرد. خاتون گفت: بی ناموسی از من نیست، از شماست که مادر پادشاه خود را در دست دشمن رها می‌کنید و خود را مرد می‌نامید. از این سخن، موردستانیان غیرتی شدند و با سنگ و چوب و کلوخ، نظامیان را کشتند و اکثر اسباب و وسایل پیر حسین زیر دست و پای عوام از بین رفت و تاشی خاتون نجات یافت. پیر حسین به واسطه آن که جنگ در پیش داشت، متوجه نشد و اهمیت نداد. بیچاره را هم در راه، با نزدیکانش در بند کرده، به درگاه جانی بیک بردند و نقشه‌ی چوپانیان نقش بر آب شد. « (نطنزی، ۱۳۳۶، ص ۱۲۳). موارد بالا از جمله روایاتی بود که در رابطه با تاشی خاتون به ویژه اواخر عمرش در کتب تاریخی مختلف نقل شده است که البته در صحت این اخبار جای تردید وجود دارد.

## ۶- اقدامات تاشی خاتون

تاشی خاتون اقدامات زیادی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری انجام داده است. از جمله‌ی این موارد ساخت و ساز و تعمیرات در شاه‌چراغ است که «این بنا در سال ۷۴۴ هجری قمری به دستور تاشی خاتون مادرشاه شیخ ابو اسحاق بن محمود اینجو تعمیرات اساسی شد، ایشان که زنی صالح و پاکدامن بود، پس از تشرف به مرقد شریف دستور داد تا گنبدی رفیع و مرتفع‌تر از گنبدهای قبلی بر این آستان ساخته شود که این اقدام و بهسازی آرامگاه نزدیک به ۵ سال طول کشید. نقل شده در زمان تاشی خاتون گنبد ۷۲ ترکی که هر ترک را ۹۰ سانتیمتر حدس زده‌اند، روی بقعه ساخته شد که به نوبه‌ی خود یکی از شاهکارهای هنری و معماری قرن هشتم هجری شیراز بوده است. (سامی، ۱۳۴۷، ص ۳۳۸).



اقدام دیگر در همین راستا ساخت مسجد و مدرسه‌ای در جنوب بقعه احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> و متصل به آن نیز به دستور این بانوی بزرگوار در کنار آن می‌باشد. « (افسر، ۱۳۷۴، ص ۹۹ و ابن بطوطه، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰ و کریمی، ۱۳۴۴، ص ۸۱). در اقدامی دیگر مرقد خود را در جوار این بقعه بنا کرد و در سال ۷۵۰ هجری قمری از دنیا رفت و در مرقد بنا شده به دست خود مدفون گردید. (جنید شیرازی، ۱۳۲۸، ص ۱۰). هم چنین در رابطه با این بانو نوشته‌اند که او تعداد زیادی از مغازه‌های بازار نزدیک حرم و قصبه میمند را که ۱۸ فرسخ از شیراز فاصله دارد و بین شرق و جنوب شیراز واقع است و ۱۱۰ فرسنگ مسافت دارد و محصولاتش غلات، برنج، انگور و بادام و برخی میوه‌های خوب است، وقف آن بقعه مبارکه نمود که تاکنون باقیست و غالب آن شهرت جهانی دارد. ابن بطوطه در قرن هشتم هجری برای بار دوم به شیراز آمده و تربت احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> را دیده است. در سفرنامه خود در رابطه با اقدامات تاشی خاتون و توصیف آرامگاه این چنین نوشته است: « بقعه احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در نظر شیرازی‌ها احترام فراوان دارد و مردم برای تبرک و توسل به زیارتش می‌روند. تاشی خاتون مادر سلطان ابو اسحاق زاویه‌ای بر این مزارساخت که در آن زاویه به مسافران غذا داده می‌شد و دسته‌ای از قاریان همواره بر سر آن تربت قرآن می‌خوانند. خاتون شب‌های دوشنبه به زیارت این بقعه‌ی شریف می‌آمد، در آن شب قضات و فقها و سادات شیراز نیز در آن جا حاضر می‌شدند و به ختم قرآن می‌پرداختند. قاریان هر کدام با آهنگ‌های خوش به قرائت مشغول می‌شدند و به حاضران در مجلس غذا و میوه و حلوا داده می‌شد و پس از طعام واعظی بر بالای منبر می‌رفت و به موعظه می‌پرداخت و تمام این امور در بین نماز مغرب و عشا انجام می‌شد. خاتون در غرفه‌ی مشبکی که مشرف بر مسجد بود، می‌نشست و در پایان مراسم نیز برادر مقبره چون در سرای پادشاهان طبل و شیپور و بوق نواخته می‌شد.» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۹).

کتابخانه آستان مقدس احمدی و محمدی<sup>(ع)</sup> هم زمان با ساخت بقعه و بارگاه شریف ایشان و احداث مدرسه برای مرقد، توسط ملکه تاشی خاتون، در زاویه‌ی بارگاه ساخته شد و مجموعه کتاب‌هایی ارزشمند توسط ایشان به آن اهدا گردید. کتابخانه‌ای که تاشی خاتون به تدریج با وقف قرآن و کتاب‌های دیگر فراهم ساخته، از آسیب روزگار محفوظ ماند و در اثر تهاجم و جنگ‌های پی در پی به کرات مورد دستبرد واقع گردید. (رک: پایگاه دانشنامه حوزه). البته در کتب تاریخی نقل شده که در سال‌های بعد از مرگ تاشی خاتون که بخشی از موقوفات او از بین رفته بود، فردی به نام میرزا حبیب الله شریفی مسئله این موقوفات را پیگیری کرد. او در سال ۸۲۵ دیده به جهان گشود. او از واقفین مشهور آستان مقدس احمدی و محمدی<sup>(ع)</sup> بود و با همت بلندی که داشت بسیاری از قصبات شهرستان میمند را که توسط بانو تاشی خاتون مادر شاه ابو اسحاق اینجو وقف حرم گردیده بود، را پیگیری کرد و در زمان صفویه، که میرزا حبیب الله منصب وزارت داشته، مقداری از میمند را به کمک پادشاه، باز پس گرفته و مقداری را خود خریده و همه را مجدد وقف نموده و به نام آستان مقدس به ثبت رساند. میرزا حبیب شیرازی در سال ۹۲۰ هجری

قمری در سن ۹۵ سالگی وفات یافت. ایشان در بخش کفش کن استان مقدس احمدی و محمدی<sup>(۴)</sup> در پایین ضریح حرم مطهر رو به ضلع شرقی مدفون هستند. (رک: پایگاه دانشنامه حوزه). یکی از مهم‌ترین اقدامات تاشی خاتون در راستای گسترش فرهنگ اهل‌البیت<sup>(۴)</sup> امر به نگارش قرآن سی جزئی بوده که در موزه استان فارس نگهداری می‌شود.

## ۷- قرآن منسوب به تاشی خاتون

مصحف‌های مکتب شیراز قرن هشتم و نهم هجری سرمشق خوشنویسی و تذهیب و رنگ آمیزی در هنر کتاب آرایی ایران است و به جرات می‌توان گفت کم نظیرترین و چشم نوازترین آثار خطی (قرآن، شاهنامه، دیوان اشعار و...) در این دوره ارائه گردیده که هم به لحاظ خوشنویسی و تذهیب و هم به لحاظ نسخه شناسی از ارزش فراوانی برخوردار است. یکی از این آثار هنری مشهور، قرآن منسوب به تاشی خاتون است که در رابطه با آن اقوال مختلفی نقل شده است از جمله اینکه «قرآن تاشی خاتون از معدود قرآن‌های قرن هشتم هجری است که به لحاظ خوش نویسی و تذهیب و تجلید، بسیار قابل تامل است و جایگاه رفیعی دارد و این قرآن اهمیت زیادی در تبیین ویژگی‌های دولت آل اینجو دارد. ابو اسحاق اینجو در صحن مسجد جامع عتیق در شیراز، عمارت مکعبی شکلی به نام خدایخانه یا دارالمصحف را بنا کرد که در سال ۷۵۲ هجری قمری ظاهراً محل نگهداری قرآن‌های قدیمی بود و یحیی صوفی الجمالی خوشنویس دربار خود را به تزئین آن گماشت و گویا همین هنرمند در سال‌های ۷۴۵ و ۷۴۶ هجری قمری به سفارش تاشی خاتون دو قرآن برای وقف به مقبره‌ی حضرت شاه‌چراغ نوشت». (فروزانی، ۱۳۷۹، ص ۴۰-۴۱)

در رابطه با خصوصیات خوش نویسی این قرآن نقل شده که «این نسخه سی قسمتی به خط محقق - ریحان در ۵ سطر طلائوس نوشته شده که ابعاد آن ۳۶ در ۵۰ سانتی متر می‌باشد که مهذب آن حمزه بن محمد العلوی است که در این خط به خاطر فاصله‌ی زیادی که بین سطرها ایجاد می‌شود، تعداد آیات در یک صفحه معدود است و به همین خاطر عرض بیش‌تری برای صفحات در نظر می‌گیرند تا تعداد آیات بیش‌تری در یک صفحه قرار گیرد و این قرآن‌ها معمولاً به همین دلیل دارای قطع مستطیلی عریض می‌باشند.» (خلیلی، ص ۱۲۲).

خوش بختانه بخش زیادی از این قرآن امروزه در ایران موجود است که از میان آن‌ها جز ۲، ۳، ۱۱، ۳۰ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که این به سبب وجود متن وقف نامه و امضا و تاریخ در صفحه پایان این جزء‌هاست که با توجه به ترجمه متن وقفنامه دقیقاً به نام واقف و نویسنده و سال نگارش و شهرشیراز اشاره شده است و در این دوران شهرشیراز زیر سلطه‌ی حکومت ابو اسحاق اینجو بوده است. «باتوجه به جمله کتابت گردید به امر یا به رسم مشخص است که این قرآن به دستور مستقیم شاه تهیه و سپس از سوی

مادر ایشان یعنی تاشی خاتون به آستان مقدس شاهچراغ هدیه گردید و به همین علت این قرآن به نام تاشی خاتون معروف گردیده است. « (معتقدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸-۱۲۵). این قرآن هم اکنون در موزه‌ی استان فارس نگهداری می‌شود که از بهترین و نفیس‌ترین قرآن‌های موجود وقف شده بر این بقعه می‌باشد.

هم چنین در رابطه با یحیی ابن نصیرالجمالی الصوفی، خوشنویس این قرآن سی پاره، نقل شده که ایشان از جمله خوش نویسان برجسته قرن هشتم هجری و از شاگردان احمد رومی و مبارک شاه بن قطب است. لقب یحیی، صوفی بود و احتمالاً الجمالی را به سبب حضورش در دستگاه حکومتی ابواسحاق اینجو که نامش جمال الدین بود، اخذ کرده است. بیش‌ترین کتیبه‌های بناهای شهرهای شیراز و نجف به خط این خوشنویس بوده که تعدادی از آن‌ها هنوز باقی مانده است. او در آغاز، در دستگاه حکومتی امیر چوپان سلدوز، از امرای ایلخان، حضور داشت و پس از سقوط ایلخانان به خدمت پادشاهان اینجو و بعد نیز به خدمت مظفریان درآمد. البته مدت یک سال و در روزگار حکمرانی پیر حسین، فرزند ارشد امیرچوپان در شیراز و در دربار وی می‌زیست. « از پیر یحیی صوفی تاکنون، چند نسخه شناسایی شده که مهم‌ترین آن همین قرآن سی پاره است که جز ۱۱ این قرآن حاوی تاریخ ۷۴۵ هجری قمری است درحالی که جز ۳ آن در تاریخ ۷۴۶ هجری قمری، نزدیک به یک سال بعد نوشته شده و این مساله امری معمول به نظر نمی‌رسد و بیانگر این مطلب است که این خوش نویس در آغاز کار کتابت این مجموعه، سوره‌های کوچک‌تر را انتخاب کرده و نگاشته که البته هیچ دلیل منطقی برای این کار نمی‌توان یافت، زیرا همواره خوشنویسان کتابت قرآن را از سوره اول آغاز می‌کردند و تا پایان ادامه می‌دادند. « (معتقدی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۸-۱۲۵). «براساس شماره یحیی صوفی در پایان اجزا این مصحف شریف، سال کتابت قرآن مشخص است اما از سرگذشت این مصحف در خلال قرن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست اما براساس یادداشت آخر جزء دهم مشخص می‌شود که در شوال ۱۲۷۳ قوام الملک شیرازی، این مصحف را مرمت کرده است. اگر او همان والی فارس در عهد ناصری باشد، احتمالاً عهده دار هزینه‌ی مرمت و صحافی این مصحف نیز بوده است. قاعده مندی کتابت و ظرافت تحریر این اثر بی‌نیاز از توصیف است و تذهیب آن به شیوه‌ی تذهیب رایج در شیراز پیش از ۷۷۰ ق است». (صحراگرد، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸).

با اینکه تذهیب کاری در گذشته شغلی مستقل بوده، امضای تذهیب کاران در نسخ خطی کمتر به چشم می‌خورد و از این لحاظ قرآن تاشی خاتون نمونه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌رود که وحیده میرزاخانلو در مقاله خود به صورت کامل آن را شرح داده است و در رابطه با تذهیب صفحات آغازین و داخلی این قرآن، حاشیه‌ی صفحات آن، زمینه سازی، سرسوره‌ها و نشان‌های این اثر به طور کامل صحبت کرده است. در میان نسخ قرآنی متعلق به دوره‌ی آل اینجو، نسخه‌ی قرآن تاشی خاتون دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و بسیاری از خصوصیات تذهیب ال اینجو از لحاظ فرم و رنگ در تذهیب این نسخه جلوه‌گراست. این نسخه جایگاه مهمی در مکتب خوش نویسی شیراز دارد. مطالعه و تعمق در

تذهیب این نسخه قرآنی حاکی از آن است که هنرمندان نوع تذهیب را متناسب با ویژگی‌های خوش نویسی اثر (خط محقق و ریحان که به واسطه ظرافت و لطافتی که دارد، آن را به گل و ریحان تشبیه کرده‌اند) در نظر گرفته‌اند تا صفحه آرای و ترکیب بندی نهایی به ترکیبی هماهنگ و موزون تبدیل شود و ساختار هندسی در تمام جزوات تکرار شده و همه اجزا با وجود تفاوت در شیوه‌ی تذهیب و جزئیات نقوش دارای ساختار مشابهی هستند. این قرآن به عنوان سبکی ویژه و متفاوت در مکتب هنری شیراز در قرن هشتم بود و شیوه‌ی تذهیب این قرآن با نوع خوش نویسی خط محقق و ریحان متناسب بوده است که باعث زیباتر شدن اثر شده است. به این نکته می‌توان اشاره کرد که هنرمندان به منظور ساماندهی نقوش تذهیب این قرآن ارزشمند ساختاری هندسی را در نظر گرفته‌اند. سنت نگارش قرآن به روش سی جزئی بعد از روی کار آمدن ایلخانان مغول و با اسلام آوردن سلاطین مغول و حمایت آنان رونق یافت. (رک: میرزاخانلو، ۱۳۹۵، ص ۱۱).

در پشت جزء اول این قرآن به منظور تایید وقفنامه و تقدیم آن توسط تاشی خاتون به آستان احمدی نوشته شده: «اما بعد حمد الله و الصلوة على نبیه و آله، فقد وقت هذا الجزء من كلام المبین علی المشهد المعظم الامام الاعظم مظهر كلمة الله ثمرة شجرة النبوة احمد بن موسى الرضا سلام الله عليه الخاتون المعظمة سلطان الخواتین عصمة الدنيا و الدين تاشی خاتون دامت عصمتها و وقفا صحیحا تقبل الله منها» و بر پشت صفحه‌ی آخر همین جزء اول نوشته شده است: «کتبه اضعف عبادالله تعالی و احوجهم الی عفوه فی ایام سلطنة السلطان الاعظم مولی ملوک السلاطین العجم جمال الحق و الدنيا و الدين الشيخ ابواسحق خلد الله ملكه الی يوم البعث و النشور پیر یحیی الصوفی الجمالی فی ستة ست و اربعین و سبع مائه حامدا و مصليا و مسلما تسلیما بدار الملك شیراز حرسه الله» پیر یحیی الصوفی الجمالی در پایان جزء آخر چنین نوشته: «کتبه الفقیر فی ایام الدولة سلطان الاعظم مالک الرقاب ملوک عالم جمال الملة و الدين الشيخ ابی اسحاق خلد الله ملكه، العبد یحیی الجمال الصوفی غفر الله ذنوبه فی سنة ست و اربعین و سبع مائة بدار الملك شیراز» (سامی، ۱۳۴۷، ص ۳۳۶).

شکل ۱: نمونه از خط قرآن تاشی خاتون.



تصویر ۳- نمونه خط محقق ریحان قرآن تاشی خاتون، خط: یحیی صوفی، شیراز ۷۴۶ هـ

ماخذ: معتقدی، کیانوش، شکوه خوش نویسی و تذهیب در مکتب شیراز، مجله‌ی آینده‌ی خیال، ش ۱۰، مهر ۱۳۷۸.

## نتیجه گیری

خطه فارس از یورش مغول در امان ماند و شیراز با توجه به قدرت یافتن سلسله‌ی آل اینجو و حمایت‌های مادی و معنوی این سلسله، مرکز تجمع دانشمندان، شاعران و هنرمندانی گردید که با سنت‌های پیش از مغول آشنایی داشتند و آثار ارزشمندی را خلق کردند. بسیاری از این آثار از گذشته تاکنون باقی مانده و نه تنها در عصر خویش بلکه در آثار بعد از این دوره منشا تحولات عظیمی گردیده است و الگوی مناسبی برای سایرین گردیده و برخی از آن‌ها حتی در قرن حاضر نیز کاربرد دارند. در این بین زنان نیز در کنار پادشاهان نقش موثری ایفا نمودند که به برخی از این بانوان و اقدامات آن‌ها در مقاله اشاره شد. از جمله این زنان بانوی معظم، بانو تاشی خاتون مادر شاه شیخ ابواسحاق اینجو و همسر شاه محمود اینجو بود که همچون دیگر خواتین در امور فرهنگی و سیاسی حکومت دخالت داشت که در رابطه با زندگی این بانوی بزرگوار اطلاعات چندانی در دست نیست و در اکثر کتب تاریخی از این بانوی بزرگوار به نیکی یاد شده زیرا با اقدامات خویش گام موثری در گسترش فرهنگ تشیع در شیراز و جذب افراد به آستان مقدس شاه‌چراغ شده است. البته در بعضی از کتب تاریخی ذکر شده که ایشان به واسطه‌ی جنگ و کشته شدن شاه و از بین رفتن سلسله‌ی آل اینجو اسپر شدند و در بعضی منابع گفته شده که ایشان در اواخر عمر به خیانت متهم گردیدند که در رابطه با صحت و سقم این اخبار جای تردید وجود دارد و به این منابع نمی‌توان چندان اعتماد نمود.

در رابطه با اهم اقدامات تاشی خاتون در عصر خویش که به صورت مفصل به آن پرداخته شد، می‌توان به ساخت گنبدی مرتفع برای بقعه مبارک، ایجاد مسجد و مدرسه در کنار این بقعه، ایجاد آرامگاه در کنار بقعه احمد بن موسی<sup>(ع)</sup>، ایجاد کتابخانه در کنار آستان احمدی و اهدای کتب مختلف در طی سال‌ها به این کتابخانه شاه‌چراغ، وقف بسیاری از مغازه‌های کنار آستان و وقف شهرمیمند که در نزدیکی شیراز و وقف قرآن سی جزئی به این آستان، می‌توان اشاره کرد. هم چنین نقل شده این بانو در روزهای دوشنبه برای زیارت به بارگاه مبارک می‌رفتند و از فقها و سادات و قضات و عالمان دعوت می‌نمودند تا در کنار این بقعه به تلاوت قرآن و ادای نماز جماعت و ووعظ و سخنرانی بپردازند و در نهایت در زاویه‌ای که ایجاد کرده بودند، از مهمانان پذیرایی می‌کردند که بسیاری از مردم مجذوب این برنامه می‌شدند و این اقدامات در گسترش تشیع و جذب مردم به این بارگاه ملکوتی بسیار تأثیر داشت. یکی از مهم‌ترین اقدامات تاشی خاتون هدیه‌ی قرآن سی جزئی به آستان شاه‌چراغ بود که این قرآن منتسب به این بانوی بزرگوار است و در نوع خود از آثار بی نظیر قرن هشتم هجری است که بسیاری از هنرمندان از این اثر به عنوان سبکی جدید در عرصه‌ی هنر خوش نویسی و تذهیب یاد کردند. هنرمندان در اعصار بعد از این قرآن الگوبرداری کردند که نظریات بسیاری از آنان در این رابطه مطرح شده است که به اتفاق بر منحصر به فرد بودن این

قرآن تاکید دارد. با توجه به مطالب فوق، ناشی خاتون نقش مهمی در جذب افراد به این آستان مقدس احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> ایفا نموده، که این امر نشان دهنده اهمیت جایگاه این بانوی بزرگوار در جذب افراد به این آستان مقدس در عصر و زمان خویش می‌باشد.

## منابع

- ۱- ابن بطوطه، (۱۳۷۶)، سفرنامه‌ی ابن بطوطه، ج ۱، آگاه.
- ۲- اجتهادی، مصطفی، (۱۳۸۲)، دایرة المعارف زن ایرانی، دانشنامه بزرگ فارسی، تهران، ج ۱.
- ۳- استرآبادی، میرزا مهدی، (۱۳۷۴)، سنگلاخ، تهران.
- ۴- افسر، کرامت الله، (۱۳۷۴)، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران، قطره.
- ۵- بیانی، شیرین، (۱۳۸۸)، زن ایرانی در عصر مغول، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، (۱۳۶۵)، تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۵ ش.
- ۷- پایگاه دانشنامه حوزه علمیه قم.
- ۸- پایگاه مرکز دیجیتال قایمیه اصفهان.
- ۹- پرویش، حسین، (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت فرهنگی و سیاسی آل اینجو در فارس، فصلنامه‌ی سیاسی- ادبی گیلان ما.
- ۱۰- تبریزی، ابن خلف، بی تا، برهان قاطع، به اهتمام محمد عباسی، بی ناشر.
- ۱۱- جنید شیرازی، جنیدبن محمود، (۱۳۴۶)، مترجم عیسی ابن جنید، تذکره‌ی هزار مزار، تهران، کتابخانه‌ی احمدی.
- ۱۲- جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، (۱۳۲۸)، شدالازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، به تصحیح علامه فقیه مرحوم قزوینی و عباس اقبال، تهران، چاپخانه مجلس.
- ۱۳- جوادی، سیدمهدی، (۱۳۸۴)، خواتین و نقش سیاسی- اجتماعی آنان در تاریخ اسلام، تهران، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۲۲.
- ۱۴- خوارزمی، محمدبن احمدبن یوسف کاتب، (۱۳۶۲)، مفاتیح العلوم، ترجمه محمد حسین خدیو، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۵- خلیلی، ناصر، بی تا، مجموعه هنراسلامی کارهای استادانه، ترجمه پیام بهتاش، نشر کارنگ.
- ۱۶- دینوری، ابو حنیفه احمدبن داوود، (۱۳۷۱)، اخبار الطوال، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی.
- ۱۷- رامپوری، غیاث الدین محمدبن جلال الدین، بی تا، غیاث اللغات، تهران، معرفت.
- ۱۸- سامی، علی، (۱۳۷۴)، شیراز، شیراز، چاپخانه موسوی، ۱۳۴۷ ش.
- ۱۹- سایت لغت نامه دهخدا.

- ۲۰- شبانکاره ای، محمدعلی، بی تا، مجمع الانساب، ج ۲، بی ناشر.
- ۲۱- شیرازی، فرصت الدوله، (۱۳۱۴)، آثار العجم، هند، بمبئی.
- ۲۲- صحراگرد، مهدی، (۱۳۷۸)، مصحف روشن، تهران، فرهنگستان هنر.
- ۲۳- صدرحاج سیدجوادی، احمد، (۱۲۹۶)، دایره المعارف تشیع، ج ۴، تهران، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت<sup>(ع)</sup>.
- ۲۴- فروزانی، ابولقاسم، (۱۳۷۹)، شیراز شهرراز، تهران، کتاب همراه.
- ۲۵- فسائی، حسن بن حسن، به تصحیح رستگار فسایی، (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
- ۲۶- کاتب یزدی، احمدین حسین، (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، تهران، فرهنگ ایران زمین امیرکبیر.
- ۲۷- کاشغری، محمود، (۱۳۳۳)، دیوان لغات الترك، بغداد، چاپ عامره.
- ۲۸- کتابخانه دیجیتال قائمیه، (۱۳۹۰)، زندگینامه مشاهیر ایران و جهان، ج ۱، اصفهان، مرکز دیجیتال قائمیه.
- ۲۹- کتابخانه شاهچراغ، (۱۳۶۰)، مقدمه فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌ی شاهچراغ الف- ب شیراز در گذشته و حال، ج ۱، شیراز، شاهچراغ.
- ۳۰- کریمی، بهمن، (۱۳۴۴)، راهنمای آثار تاریخی شیراز، تهران، کتابخانه اقبال.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۳۶۰)، بحارالانوار الجامعه لدرراخبارالائمة الطهار، ج ۴۸، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۳۲- محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۷۰)، ریاحین الشریعه، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- مصاحب، غلام حسین، (۱۳۸۰)، دایرة المعارف فارسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- ۳۴- معتقدی، کیانوش، (۱۳۷۸)، شکوه خوش نویسی و تذهیب در مکتب شیراز، مجله‌ی آینه‌ی خیال، ش ۱۰.
- ۳۵- مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۶۰)، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد نیکلسن، تهران، مولی.
- ۳۶- میرزا خانلو، وحیده و مهران هوشیار، (۱۳۹۵)، ویژگی‌های ساختاری تذهیب قرآن تاشی خاتون، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ش ۴۰.
- ۳۷- نطنزی، معین الدین به اهتمام پروین استخری، (۱۳۸۳)، منتخب التواریخ معینی، تهران، خیام.